



وزارت کشاورزی

سازمان کشاورزی استان مازندران
معاونت تحقیق، آموزش و ترویج

اصلاح نظامهای

بهره برداری در کشاورزی

شماره ثبت ۷۹/۱۲۸ - ۷۹/۳/۱۶

مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی



مدیریت آموزش و ترویج کشاورزی
استان مازندران

سازمان کشاورزی استان مازندران
معاونت تحقیق، آموزش و ترویج

نشریه آموزشی و ترویجی

با عنوان

اصلاح نظامهای بهره‌برداری کشاورزی و نقش آن در توسعه کشاورزی پایدار

تهیه کننده:

عادل واحدی کارشناس مدیریت نظام بهره‌برداری

فروردین ۱۳۷۹

واحد انتشارات فنی مدیریت آموزش و ترویج کشاورزی مازندران

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۸	براستی مشکل اصلی بخش کشاورزی چیست؟
۱۳	مرحله اول
۱۳	مرحله دوم
۱۳	مرحله سوم
۱۶	بُعد اول
۱۸	بُعد دوم
۱۹	بُعد سوم
۲۲	بُعد چهارم
۲۳	بُعد پنجم
۲۴	بُعد ششم
۲۶	بُعد هفتم
۲۸	بُعد هشتم
۲۹	سخن آخر

نام نشریه ترویجی: اصلاح نظامهای بهره‌برداری کشاورزی
و
نقش آن در توسعه کشاورزی پایدار

نگارنده: عادل واحدی

ویراستار: غلامرضا رعیت پناه

تاریخ چاپ: بهار ۱۳۷۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

ناشر: واحد انتشارات فنی مدیریت آموزش و ترویج کشاورزی مازندران

مقدمه

اقتصاد اغلب کشورهای در حال توسعه وابسته به کشاورزی، جامعه تولیدکننده و نهاده‌های موجود در این بخش می‌باشد و همچنین سایر نهاده‌هایی که در سایر بخش‌ها واقع شده‌اند ولی غیرمستقیم تسهیل کننده و تسریع‌کننده فرایند ایجاد بازدهی مناسب در برون داده‌های بخش کشاورزی می‌باشند، در این میان نقش مهمی ایفاء می‌کنند. نهاده‌هایی مانند آب، زمین، ماشینها و ابزارآلات کشاورزی در دنیای پیشرفته امروز که علوم مربوط به رشد و توسعه منابع انسانی جایگاه برجسته‌ای در مباحث نظری و عملی توسعه اقتصادی - اجتماعی کسب نموده‌اند بعنوان نهاده‌های سنتی مطرح می‌باشند. این نهاده‌ها بویژه در کشورهای در حال توسعه کاملاً محدود هستند. حتی در شرایط حاضر باتوجه به رسوخ روشهای غلط کشت و کار محصولات کشاورزی در حال نابودی می‌باشند. شوره‌زار شدن زمینهای زراعی، فرسوده و خارج از رده شدن ماشینهای کشاورزی و کاهش منابع آب زیرزمینی و آبهای سطحی بواسطه کاهش بارندگی نمونه‌ای از اهمیت و ارزش نهاده‌های مذکور و ضرورت حفظ و ساماندهی آنها می‌باشد.

از جانب دیگر رشد تفکرات بنیادی در خصوص ضرورت توسعه پایدار کشاورزی به مفهوم تجزیه و ترکیب بهینه نهاده‌های در دسترس برای تولید بازده مناسب در بخش کشاورزی بدون اینکه نیاز نسل های آتی به این نهاده‌ها با خطر کمبود ویا نقصان مواجه شود، از جمله مباحث جدیدی است که ضرورت بهره‌مندی از روشها واهرمهای بهره‌برداری صحیح از امکانات، لوازم و نهاده‌های موجود را مطرح می‌سازد. یکی از قویترین اهرمهای مذکور توسعه زیربنایی منابع انسانی بخش است.

منابعی که این نهاده‌ها در اختیار آنهاست و درصد عقلایی بودن و رفتار آنها در نرخ کارایی فرایند بهره‌گیری از نهاده‌های موجود، بسیار موثر است.

آموزش و تجهیز این منابع به علوم و مهارتهای سازگار با ویژگی‌های جغرافیایی و کشاورزی منطقه و همچنین بهره‌گیری از اهرمهای فرهنگی - اجتماعی در کنار اهرمهای اقتصادی و یا حتی سیاسی برای ایجاد تفکر گروه‌گرایی و تشکل‌گرایی در بین آنها از جمله روشهای ارتقاء درجه کارآمدی این منابع به شمار می‌آید.

همچنین ضرورت‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی ایجاب می‌نماید به ویژه در جمهوری اسلامی ایران که نیازمند داشتن اقتصاد وابسته به نهاده‌ها و نهاده‌های داخلی از جمله کشاورزی است، زمینه‌های استفاده صحیح از منابع مالی، فیزیکی، فکری و جسمی

فراهم گردد.

یکی از اهداف و محورهای اساسی فعالیت‌های تعاونی تولید، افزایش و بهبود کیفیت مدیریت اراضی می باشد. مدیریت بعنوان یکی از عوامل تولید در عرض سایر نهاده‌ها قرار گرفته و موجب بهبود کارایی کل نظام تولید می شود. تغییر در مقیاس مزارع، کاربرد روشهای پایدار، تحقق مفاهیمی چون مشارکت و افزایش دانش و اطلاعات کشاورزان در زمینه حفظ منابع اساسی کشاورزی همگی ابعاد گوناگون مفهوم مدیریت اراضی را در بر می‌گیرند. بدون شک دستیابی به اهداف مذکور مستلزم فعالیتهای آموزشی و ترویجی است. این فعالیتهای از یک سو منجر به افزایش تولید و درآمد خانوار روستایی شده و از سوی دیگر از طریق آنها می توان سیاستهای کلان کشاورزی کشور را اعمال نمود. طرح حاضر نیز به منظور بهبود کیفیت فعالیتهای تشکلی های تولیدی بعنوان یکی از عمده‌ترین روشهای بهره‌برداری زراعی کشور ارائه گردیده است.

«لازم بذکر است در داخل متن واژه‌های ذیل به کار رفته است که مفهوم آنها به شرح

ذیل می‌باشد:

– تشکلی های تولیدی: تعاونی‌های تولیدی است که گروههایی از کشاورزان (مولدین)

به منظور ارتقاء سطح بهره‌وری فعالیتهای زراعی با همکاری سازمانهای کشاورزی

استانها تشکیل می‌دهند.

– کادر اجرایی: کارشناسان، کمک کارشناسان و حسابداران تشکلی های تولیدی می باشند که وظیفه هدایت و ساماندهی فعالیتهای مختلف تشکلی ها را بر عهده دارند و بازوی فنی – تخصصی تشکلی به شمار می‌آید.

بسمه تعالی

معادلات سیاسی و رویدادهای سالیان اخیر این حقیقت را به ثبوت رسانیده است که بخش کشاورزی نقش کلیدی را در توسعه سایر بخشها و شکوفایی اقتصاد کشور بعهده دارد زیرا این بخش فراهم کننده مواد غذایی تمامی جمعیت رو به تزاید مملکت و محور استقلال کشور و مستقیماً مرتبط با زندگی مردم است.

با پیدایش نظام اقتصادی صنعتی - سرمایه‌داری محور قدرت اقتصادی جامعه از مزرعه به کارخانه‌ها انتقال یافت و روابط اجتماعی نوین یا بهتر بگوییم نظام اجتماعی جدید بر پایه موقعیت مالکیت، حاکمیت و نظام جدید کار شکل گرفت در حالیکه قبل از انقلاب صنعتی نظام اجتماعی متأثر از نظام بهره‌برداری کشاورزی بود.

هیچ گاه ضرورت و اهمیت توسعه کشاورزی یعنی جلب مشارکت جمعی کشاورزان کشور برای ایجاد تحولی کیفی در ساختار بخش کشاورزی، بویژه نظامهای بهره‌برداری بعنوان محور و کانون این تحول در جهت تحقق اهداف اصلی توسعه کشاورزی، باندازه امروز محسوس نبوده است.

متحول شدن نظامهای بهره‌برداری کشاورزی بعنوان بخشی از فرآیند کلی تحولات جهان تغییر یابنده امری اجتناب‌ناپذیر می باشد. مخالفت با این تحول در نظامهای

بهره‌برداری یا بی توجهی و عدم هدایت و سازماندهی صحیح و اصولی و بموقع آن مشکل آفرین است.

منظور از توسعه کشاورزی یعنی تحول افزایش کمی و بهبود کیفی عملکرد کشاورزی در زمینه‌های مختلف است بدیهی است این توسعه زمانی بهینه و کارآیی مطلوب دارد که به حفظ محیط زیست توجه شود و افزایش و رشد تولیدات کشاورزی در جهت پاسخگویی به نیازهای مردم و کمک به رشد شکوفایی استعداد کشاورزان و کاهش وابستگی‌ها و حفظ استقلال کشور و توسعه دیگر بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در فرآیند تغییر و توسعه‌ای متوازن و پایدار باشد.

لازمه رسیدن به رشد پویا و برقراری توسعه پایدار در این بخش، نیازمند برنامه‌ریزیهای مدبرانه و عمیق براساس شرایط و موقعیت خاص جامعه روستایی و درک نیازهای واقعی آن جامعه است. با نگرش بر سیر تحولات ارضی و دهقانی و تأثیراتی که از دهه ۱۳۴۰ به بعد در جامعه روستایی و پیرامون آن حادث گردیده است از میان نظامهای گوناگون بهره‌برداری و شیوه‌های بهره‌وری در چرخه تولید کشاورزی کشور باید گفت شرکتهای تعاونی تولید روستایی به لحاظ متشکل نمودن نیروهای پراکنده انسانی و متمرکز نمودن سرمایه‌های هرچند اندک بهره‌برداران در یک جهت و هدف توانسته‌اند

مورد اقبال و وثوق بخش کشاورزی کشور واقع شوند.

شرکتهای تعاونی تولید روستایی بعنوان نوعی بهره‌برداری نوین و ضابطه مند در ایران دارای سازمان و مدیریتی نسبتاً علمی و تخصصی است که در قالب آن اراضی خرد و پراکنده بهره‌برداریهایی کوچک سنتی یکپارچه گشته و نیروهای فردی با رعایت همیاری و کار و تولید جمعی در سطح شرکت، در شرایطی فعالیت می‌کنند که وحدت سه اصل بسیار مهم مالکیت، حاکمیت و فاعلیت نیز حفظ می‌شود. بنابراین خانوارهای روستایی به هنگام عضویت در شرکتهای تعاونی تولید روستایی نه تنها چیزی را از دست نمی‌دهند بلکه از امکانات و تسهیلات متأثر از تشکیل شرکت مثل دسترسی سریع و به موقع به ابزار و وسایل کشاورزی مورد نیاز و استفاده صحیح و مناسب از آنها با کمترین هزینه ممکن برخوردار می‌شوند.

اولین گام در جهت نهادمندی، تشکیل، توسعه و تکمیل شرکتهای تعاونی تولید روستایی بعنوان نظام بهره‌برداری نوین و بهینه شناساندن آنها به کشاورزان و ایجاد انگیزه تشکیل این تشکلهای تولیدی در روستائیان می‌باشد چرا که تنها در اینصورت می‌توان به اثر بخشی این نوع نظام بهره‌برداری در توسعه پایدار بخش کشاورزی امیدوار

بود. از آنجا که در این شرکتهای کلیه فعالیتهای تولیدی با نظارت مستقیم و مستمر کارشناسان فنی شاغل در شرکت انجام می‌شود و بهره‌برداران از همکاریهای فکری و دانش تخصصی آنها بهره‌مند می‌شوند بتدریج نوعی مدیریت زراعی واحد در محدوده شرکت بوجود می‌آید که با اجرای برنامه‌های اصولی و تناوب زراعی صحیح می‌توانند در رشد تولید و رشد اقتصادی موثر باشند.

گذار از کشاورزی سنتی خود مصرفی و معیشتی محلی به کشاورزی نوین و سودآور در مقیاس ملی و بین‌المللی از طریق اصلاح و ایجاد و راه‌اندازی و توسعه تشکلهای نوین و مناسب کشاورزی اصلی‌ترین حرکتی است که می‌تواند در افزایش بهره‌وری و ارتقاء سطح عملکرد و به تبع آن توسعه پایدار بخش کشاورزی و توسعه متوازن جامعه روستایی نقش داشته باشد.

— برآستی مشکل اصلی بخش کشاورزی چیست؟

برای پاسخگویی به این سؤال باید هدف نهایی را در بخش کشاورزی بیابیم سپس آنچه مانع رسیدن به این هدف غایی می‌شود معضل اصلی بخش کشاورزی کشور است. اگر همگان اتفاق نظر داشته باشیم که هدف نهایی توسعه کشاورزی پایدار است باید موانع و عواملی که مسبب آن می‌باشند را بشناسیم.

مشکل اصلی ما در بخش کشاورزی که مانع تحقق اهداف اصلی ما در این بخش می شودمشکلی است ساختاری و نرم افزاری. فقدان یا ضعف نظام بهره‌برداری مناسب و بهینه بطوریکه تمام عوامل موثر در کم و کیف عملکرد کشاورزی را بگونه‌ای با هم ترکیب کند که ضمن حفظ منابع تولید امکان حداکثر استفاده بهینه مقدور شود. بنابراین توسعه پایدار بخش کشاورزی موقوف به رفع تأخر ساختاری از طریق ایجاد تحول بنیادی در ساختار بخش کشاورزی بوسیله نهادمندی نظامهای بهره‌برداری نوین و مناسب در ایران است.

منظور از نظام بهره‌برداری سازمانی اجتماعی مرکب از عناصری بهم پیوسته است که با هویت و مدیریتی واحد و در چارچوب شرایط اجتماعی، طبیعی محیط خود امکان تولید محصولات کشاورزی را فراهم می‌کند.

نظام بهره‌برداری کانون و هسته مرکزی و تعیین‌کننده‌ترین عامل بلافصل تولید کشاورزی است.

رشد و توسعه در بخش کشاورزی فقط به اصلاح مسائل فنی و تکنولوژی تولید مربوط نمی‌گردد بلکه روابط اجتماعی تولید، اندازه واحدهای تولیدی، روابط مالکیت، انگیزه و رغبت تولیدکنندگان و نظام بهره‌برداری ارضی عواملی هستند که در رشد و

توسعه همه جانبه کشاورزی نقش بسزایی دارند.

موضوع نظام بهره‌برداری بحث عوامل فنی تولید با یکدیگر نیست هرچند این عوامل در ایجاد و توسعه و تجدید نظامهای بهره‌برداری موثرند. از آنجا که سرنوشت کشاورزی به دو عامل فنی و اجتماعی تولید بر می‌گردد و این دو عامل در شکل‌گیری همدیگر موثرند اغلب باعث چالش این دو مبحث در یکدیگر نیز می‌شوند.

موضوع اصلی نظام بهره‌برداری بحث مالکیت زمین بعنوان مهمترین ابزار تولید می‌باشد. به همین منظور روابط حقوقی افراد در رابطه با زمین مسئله اصلی بحث نظامهای بهره‌برداری است.

در بستر تاریخ ایجاد و حفظ حق مالکیت یا براساس قدرت و اقتدار بوده یا براساس قراردادهای و قوانین اجتماعی تولید بوجود آمده است. تفویض حمایت اجتماعی از حق مالکیت افراد که پس از ظهور اسلام به جوامع اسلامی داده شده یکی از احکام حقوقی مترقی دین اسلام بشمار می‌رود و براساس آن هیچ کس حق تصرف اموال کسی را ندارد مگر به رضایت وی و تحت شرایط خاصی که مستلزم انتقال حقوق مالکیت بین افراد است.

یکی از مزایای اجتماعی حقوق مالکیت ایجاد حق حاکمیت فرد در قلمرو حق

مالکیت است. حاکمیت در شکل حق دخل و تصرف و تحقق منویات فردی حق تصمیم‌گیری و دخالت در سرنوشت معاشی و غیره ظاهر می‌شود.

باید دید در سازمانهای تولیدی تعاونی صرفاً نظام بهره‌برداری تعاونی موجب رکود عمل و عدم تمایل کشاورز شده است یا فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر این سازمانها مانع رشد و گسترش واقعی این گونه نهادهای تولیدی بوده است؟ چرا مزارع بسیار بزرگ که در اختیار این سازمانهای تولیدی قرار داشتند از عملکرد پایینی برخوردار بوده‌اند؟ چرا نوع تملک تعاونی به نتایج مطلوبی نرسیده است؟ وقتی ارتباط مستقیم فرد در مالکیت خصوصی با زمین حذف می‌شود چه راهکارهایی برای ایجاد انگیزه رغبت کاری می‌توان در عرصه‌های دیگر از تکامل اجتماعی ایجاد کرد تا خلاء ناشی از عدم مالکیت خصوصی جبران شود؟

در واحدهایی که مالکیت‌های مستقیم بعلل ایجاد شبکه‌های اجتماعی تولید از تعلق افراد خارج می‌شود وجود حق حاکمیت افراد بصورت دخالت در تصمیم‌گیریه‌ها و بیان نظریات فردی محرکترین روش برای به میدان کشیدن بهره‌بردار در عرصه تولید و افزایش قدرت ابتکار و ایجاد انگیزه در اوست.

سابقه تاریخی ضعف مبانی حقوقی مالکیت ارضی، اصلاحات ارضی رژیم شاه بر

محور تقسیم نسقهای زراعی، از هم پاشیدگی تعاونیهای سنتی، انحلال شرکتهای تعاونی و شرکتهای سهامی زراعی و کشت و صنعتهای باقیمانده از رژیم سابق در اوایل انقلاب، تقسیم اراضی دولت جمهوری اسلامی و قوانین ناظر بر ارث و تقسیم و واگذاری و خریدوفروش اراضی از عواملی است که به تثبیت و تقویت بهره‌برداریهای خرد بویژه در قالب نظام بهره‌برداری دهقانی موثر بوده است. نظامی که علاوه بر خرد بودن و پراکندگی ارضی با مسایلی از قبیل ضعف سازمان و مدیریت و پایین بودن سطح اطلاعات و تکنولوژی و توسعه، نیروی انسانی بی سواد یا کم سواد و مشکل استفاده صحیح و مناسب از روشها و فنون و ابزار و ماشین آلات نوین کشاورزی در جهت افزایش بهره‌وری با حفظ منابع تولید و محیط زیست روبروست.

جالب اینکه اکثر روسای اینگونه بهره‌برداریهای خرد دهقانی که در واقع همان رئیس خانوار روستایی هستند خود نیز تا حدودی به این مشکلات واقفند و تمایل به ایجاد تشکل‌های نوین کشاورزی جهت ایجاد و احیاء طرح بنیادی ایجاد تحولی کیفی در ساختار سنتی کشاورزی از طریق نهادمندی نظام بهره‌برداری نوین و مناسب در ایران امروزی را دارند.

بطورکلی در نهادمندی نظام بهره‌برداری نوین و مناسب که باید در قالب آن ۲/۸

میلیون واحد خرد و پراکنده تولیدی به چند هزار واحد سودآور و سازمان یافته شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و تعاونیهای تجاری شامل شرکت‌های سهامی زراعی و کشت و صنعتها تقلیل یابند سه مرحله قابل پیش بینی است:

مرحله اول در واقع مرحله گذار از کشاورزی سنتی به کشاورزی نوین و سودآور است که در برنامه توسعه پیش بینی شده است.

مرحله دوم که تا پایان برنامه سوم توسعه باید عملی شود مرحله نهادمندی و ایجاد پیوند ارگانیک بین نظامهای بهره‌برداری نوین و مناسب با شرایط خاص محیط اجتماعی و طبیعی هر محل است.

مرحله سوم که با شروع برنامه چهارم توسعه باید تحقق یابد مرحله غلبه نظام بهره‌برداری مناسب نوین که بمعنی اخص شرکت‌های تعاونی تولید روستایی می باشد بر نظام بهره‌برداری خرد دهقانی سنتی است. این مرحله شکل‌گیری ساختار کشاورزی نوین و سودآور و تحقق اهداف توسعه کشاورزی پایدار به دست نسل جدید و فرزندان جوان و تحصیل کرده این سرزمین است.

بدیهی است که بخش کشاورزی در مسیر گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و در فرآیند نهادمندی نظام بهره‌برداری مناسب و نوین به منظور دستیابی به توسعه‌ای

پایدار دارای مقدرات و محدودیتهایی است که با ارزیابی دقیق آنها و با اتخاذ سیاستها و راهبردهای لازم در جهت ایجاد یا تقویت مقدرات و یا مقابله با محدودیتهای موانع می توان چنین مسیری را هموار نمود.

رسالت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی تشکیل شده پس از انقلاب در ابعاد عملی و محتوای فلسفی با آنچه قبل از انقلاب راه‌اندازی شده بود متفاوت است و در تفکر و فلسفه تعاونی از یک منبع فرهنگی متقابل سرچشمه می‌گیرد.

در شرکت‌های تعاونی تولید تأسیس شده قبل از انقلاب اساس تفکر و نگرش بر پایه مفاهیم ذکر شده در قانون تعاونی نمودن تولید مصوب ۱۳۴۹ بوده است قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچگی اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی تولید بیان می‌کند که تولید بایستی گروهی یا تعاونی باشد. تولید گروهی از تجمیع اراضی و کارگروهی که درآمد شرکت بر اساس نسقه‌های زراعی اعضاء به نسبت مشارکت تقسیم می‌شود.

چون تفکر اولیه در تدوین قانون تعاونی نمودن تولیدی و یکپارچگی اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی تولید نشأت گرفته از فرهنگ بلوک شرق اشتراکی بود و بر این اساس تولید را بصورت گروهی (تعاونی) بیان کرده که با حفظ مالکیت فردی اعضاء و منویات قانونگذار تعارضی شدید دارد لذا پس از پیروزی انقلاب اغلب شرکت‌های سهامی

زراعی و تعاونیهای تولید روستایی سریعاً منحل گردید.

در شرکتهای تعاونی تولید راهاندازی شده پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی هرچند از همان قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچگی اراضی در حوزه عمل شرکتهای تعاونی تولید روستایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۴ بعنوان مدخل ثبتی یا پشتیبان قانونی و براساس مصالح خاص وزارت کشاورزی استفاده شده است لکن ماهیت و رسالتهای تعاونیها در شرایط حاضر با آنچه در قانون آمده است متفاوت بوده و در شرکتهای تعاونی تولید روستایی رعایت اصل مالکیت فردی و وحدت سه اصل حق مالکیت، حق حاکمیت و حق فاعلیت همواره مدنظر قرار گرفته می‌شود.

چون تفکر حاکم نشأت گرفته از فرهنگ غنی اسلام است که در آن مالکیت فردی انسان محترم است (النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ) و همچنین حاکمیت مردم در اداره امور خویش و آزادی عمل و فعالیت در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

بنابراین احترام به اصل مالکیت فردی و حاکمیت مردمی و آزادی فعالیتها بعنوان انگیزه‌های بسیار مهم و حساس در ایجاد تحرک و فعالیتهای بیشتر افراد جامعه روستایی می‌باشد. با ایجاد فضای سالم فعالیت افراد بر اساس تواناییهای فردی، تجربیات،

تحصیلات، سرمایه‌گذاری و غیره به شکل شایسته و روشن در مزارع نمود پیدامی‌کند. براساس شاخصهای فوق میزان بهره‌وری افراد متفاوت است لذا در تولید گروهی تحقیقاً انگیزه‌ها را نابود و یکسان بودن تلاشها جایگزین می‌شود. (لَا يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) چون انسانها به لحاظ تواناییها متفاوتند پس در تعاونیهای تولید حفظ مالکیت فردی و حضور موثر بهره‌بردار در چرخه تولید و بدون مزاحمتهای حقوقی شرط اول موفقیت و استمرار اینگونه شرکت تعاونی‌ها می‌باشد.

حال پس از بیان تفاوت در محتوای رسالت تعاونیهای تولید قبل و پس از انقلاب لازم است چند مورد از ابعاد کاری و رسالتهای عملی شرکتهای تعاونی تولید روستایی راهاندازی شده بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی را بطور خلاصه مرور کنیم.

بعد اول) یک نوع نظام بهره‌برداری و بهینه در کشاورزی ایران

شرکتهای تعاونی تولید روستایی بعنوان یک نظام بهره‌برداری نوین و مطلوب در کشاورزی ایران است.

ایانوع نظام بر اساس تبصره یک قانون تعاونی نمودن تولید است؟ آیا این نوع نظام بهره‌برداری نقص قانون را حل می‌کند؟ در تبصره یک از ماده اول قانون تعاونی نمودن

تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکتهای تعاونی آمده است» در حوزه عمل شرکتهای مزبور فعالیتها و خدمات بصورت دسته‌جمعی بوده و تقسیم عواید بر حسب سهم و نسق زراعی و نسبت مشارکت زارعین عضو در امور شرکت انجام می‌گیرد.» این تبصره مهمترین تناقض آشکار در ماده اول قانون است که باید بنحوی مرتفع شود چون در متن قانون آمده مالکیت فردی حفظ شود. کاملاً واضح است که این نوع نظام بهره‌برداری با تبصره مذکور که در قانون آمده است تطابق ندارد. آنچه در عمل مطرح است تجمیع اراضی پراکنده کشاورزی و قطعه‌بندی در واحدهای بهره‌برداری هندسی منظم و متناسب براساس الگوی کشت رایج، با رعایت تناوب زراعی که هر بهره‌بردار با حفظ سهم مالکیت فردی در هر واحد تولید و با یک نوع زراعت فعالیت می‌کند. یکی از وظایف شرکتهای با در اختیار داشتن واحد مکانیزاسیون عملیات کاشت یا تهیه زمین در واحدهای یکپارچه می‌باشد این نوع از نظام بهره‌برداری براساس حفظ مالکیت فردی و بهره‌وری مطلوب نظام یکجاکشتی نامیده می‌شود که زمینه را پویا برای نگهداری واحدهای بهره‌برداری اقتصادی و بهینه و جلوگیری از پراکندگی دوباره آنها می‌کند. حتی اگر یکی از اعضاء میل به فروش یا اجاره یا تقسیم زمین خود بین وراث

کند هیچگونه تغییری در شکل زمین صورت نخواهد گرفت. همینطور در صورت فعال شدن سایر بخشهای اقتصادی و نیاز مبرم به نیروی کار که امکان مهاجرت بهره‌برداران کم زمین را فراهم می‌کند، واحدها بزرگتر شده و درآینده زمینه مساعد برای توسعه کشت و صنعتها فراهم می‌شود.

بعد دوم) تحول در امور زیر بنایی

یکی از معضلات بخش کشاورزی، کمبود تأسیسات زیربنایی و تراکم خرابیهای گذشته از قبیل پستی و بلندی زمین، انهار سنتی، انتقال آب و مانداب شدن قسمتی از اراضی کشاورزی و از همه مهمتر پراکندگی و خرد بودن مزارع و نبود جاده ارتباطی در مزارع می‌باشد. لذا وسعت نیاز در این بخش به حدی زیاد است که میزان ناچیز سرمایه‌گذاری دولت و عدم استقبال بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری در این بخش باعث تراکم بیشتر امور زیربنایی شده است. بنابراین توجه و رسیدگی به امور زیربنایی در شرکتهای تعاونی تولید و با استفاده از مشارکت اعضاء و ارائه تسهیلات بانکی ارزان و مساعدت دولت از طریق تهیه نقشه‌های کاداستر، توپوگرافی، خاکشناسی و مطالعه همه جانبه و ارائه راه‌حلهای منطقی و اصولی در جهت تجهیز و نوسازی مزارع اعضاء شرکت

در قالب نظام یکجا کشتی که تناوب زراعی، اصل حفظ مالکیت فردی و الگوی اقتصادی کشت در آن رعایت می شود بهترین راه برای ایجاد تحول در امور زیربنایی در بخش کشاورزی می باشد.

لکن محدودیتهای اعتباری دولت مانع پیشرفت محسوسی در این بخش شده است و از طرف دیگر تأکید بر توسعه تعاونیهای تولید در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و محور قرار دادن بخش کشاورزی و تحت پوشش قرار دادن ۴/۵ میلیون هکتار اراضی کشاورزی تا پایان برنامه سوم توسط شرکتهای تعاونی تولید روستایی می طلبد دولت در این زمینه تصمیم جدی و قاطع بگیرد و راه را برای تحقق اهداف بخش هموار سازد.

بعد سوم) تسهیل امور کشاورزان

پروسه تولید مانند زنجیره‌ای از مجموعه حلقه‌های بهم پیوسته می باشد. قطع ارتباط یک حلقه از زنجیره تولید باعث زیان و کاهش بهره‌وری و نهایتاً کاهش درآمد اعضا می شود. متأسفانه در چند سال اخیر بخش کشاورزی دچار مشکلات عدیده‌ای بوده است و عمده این مشکلات عدم تأمین بموقع نیازهای اولیه تولید از قبیل انواع کودهای شیمیایی، سموم، بذور، ماشین آلات کشاورزی و غیره بوده است. هرچند

استقرار مراکز خدمات کشاورزی بعنوان نیروهای صفی وزارت کشاورزی در سطح دهستانها و شرکتهای تعاونی روستایی در مقیاس کوچکتر، با همه فعالیتها و خدمات ارزنده ارائه شده به بخش کشاورزی کشور، نتوانستند رضایت کامل کشاورزان را جلب کنند و دغدغه‌های خاطر کشاورزان را از بین ببرند.

لکن با ظهور شرکتهای تعاونی تولید کشاورزی در عرصه روستاها و با مدیریت فنی و تخصصی از طریق بکارگیری کارشناس کشاورزی بعنوان مدیر عامل و مشارکت فعال اعضا تشکیل دهنده در فرآیند تصمیم‌گیری یکی از مهمترین رسالتهای کشاورزی یعنی تسهیل امور کشاورزان عملی شده است. شرکتهای تعاونی تولید این رسالتها را بطریق زیر انجام می دهند.

الف) مکانیزاسیون

افزایش مستمر قیمت ماشین آلات کشاورزی و کاهش قدرت خرید بهره‌برداران بویژه خرده دهقانان و فرسوده شدن اکثر تراکتورهای قدیمی شاغل در بخش کشاورزی و احساس نیاز مبرم به تراکتورهای سنگین و ایجاد تنوع در انواع دنباله بندها برای استفاده بهینه از روشهای کشت نوین و تلاش برای انجام عملیات کاشت در واحدهای بهره‌برداری یکپارچه شده ضرورت امر مکانیزاسیون را هویدا می کند شرکتهای

تعاونی تولید با تحت پوشش قرار دادن اراضی کشاورزی اعضاء و با سرمایه‌گذاری اولیه و مساعدت دولت از طریق دریافت تسهیلات بانکی ارزان قیمت توأم با مدیریت جمعی و تخصصی می‌تواند مسئولیت راه‌اندازی واحد مکانیزاسیون را با تجهیزات کامل برای انجام عملیات کاشت، داشت و برداشت بعهدہ بگیرد و با تهیه بستر مناسب کشت و با حضور فعال بهره‌بردار در چرخه تولید علاوه بر افزایش بهره‌وری ماشین‌آلات تسهیل در امر تولید محصول را فراهم نماید.

ب) تأمین بموقع نهاده‌های کشاورزی

تأمین بموقع و مطلوب نهاده‌های کشاورزی (کودهای شیمیایی، سموم، بذور اصلاح شده و ...) بعنوان ابزار تولید و سهل الوصول کردن آنها برای کشاورزان یکی از رسالت‌های تعاونی تولید روستایی برای حذف دغدغه خاطر کشاورزان می‌باشد که از طریق انتخاب نوع و کمیت مورد نیاز محصولات مختلف براساس توصیه فنی کارشناسان شرکتهای تعاونی تولید پس از انجام آزمایشات خاکشناسی و تشخیص نیاز هر گیاه از انواع نهاده‌ها، اقدام به تأمین و توزیع نهاده‌ها بین اعضاء می‌نماید. این سیاست در واقع در راستای برنامه وزارت کشاورزی برای متعادل کردن مصرف کودهای شیمیایی و ترویج ریزمغذیها از طریق انجام آزمایشات خاکشناسی و تشخیص عناصر غذایی مورد نیاز خاک و گیاه

صورت می‌پذیرد پس با تأمین بموقع نهاده‌های کشاورزی زمینه مشارکت گروهی اعضاء و تسهیل در امور آنها و جلب رضایت کشاورزان فراهم می‌شود.

بعد چهارم) تعاونیهای تولید بستر مناسب برای اجرای سیاستها و برنامه‌های وزارت کشاورزی

طرحها و برنامه‌های وزارت کشاورزی هر سال به سازمانهای کشاورزی ابلاغ می‌شود. اجرای این طرحها در مزارع کشاورزان برای مسئولین اجرایی با مشکلات همراه است از طریق شرکتهای تعاونی تولید که در راس هرم آن کارشناس کشاورزی قرار دارد امکان پیاده کردن طرحها و برنامه‌های وزارت کشاورزی در مزارع اعضاء شرکت میسرتر است و ما شاهد پذیرش سریعتر برنامه‌های مختلف وزارت کشاورزی در شرکتهای تعاونی تولید هستیم و شرکتهای پذیرش یافته‌های جدید کشاورزی پیشرو هستند. یک نیم نگاه به طرحهای اجراء شده در تعاونیهای تولید طی پنج سال اخیر موید این حقیقت است:

- ۱- ترویج و توسعه کشت مکانیزه محصولات شامل: برنج، سیب زمینی، گندم، ذرت، چغندر قند، کلزا، پنبه.
- ۲- احداث و توسعه باغات زیتون، گردو، بادام، نخیلات آبی.

۳- اجراء و توسعه سيستمهای آبياری تحت فشار.

۴- توسعه کشت مکانيزه گندم ديم.

۵- ترویج و توسعه بذور منوژرم چغندر قند و افزایش چشمگیر عملکرد در واحد سطح تا حدود هفتاد تن در هکتار.

۶- ترویج عناصر ريزمغذی ها و مصرف متعادل کودهای شيميايي.

۷- اجرای موفق و پایدار پروژه های تجهيز و نوسازی مزارع.

۸- تربیت مددکاران ترویجی و معرفی کشاورزان نمونه از تعاونیهای تولید.

۹- احداث و توسعه نهالستانهای فنی برای تولید نهال سالم.

۱۰- اجرای طرح مبارزات بیولوژیک علیه آفات.

۱۱- همگانی نمودن بیمه محصولات کشاورزی.

بعد پنجم) فعالیتهای اقتصادی و صنایع تبدیلی

اغلب کشاورزان برای تولید محصولات کشاورزی بویژه صیفی که مشمول قیمتهای تضمینی نمی باشند در شرایط اضطراب و نگرانی تا مرحله برداشت محصول بسر می برند و هیچ گونه تضمینی برای فروش به قیمت مطلوب ندارند این اضطراب در مدیریت زارع تأثیرات روانی و عملی دارد که نهایتاً در عملکرد محصول تأثیر دارد.

لکن شرکتهای تعاونی تولید روستایی از طریق ترویج تفکر گروه گرایی و روحیه مشارکت اعضاء و با انتخاب راهکارهای منطقی، زمینه مناسبی برای کاهش اضطراب و نگرانی بهره برداران فراهم می سازد و در جهت تأمین منافع و حقوق اعضاء بایستی با برنامه ریزی و زمانبندی مناسب اقداماتی برای جلوگیری از ضایعات محصول و عرضه خام آن به بازار انجام داده و با احداث واحدهای صنعتی تبدیلی بصورت کارگاههای کوچک و با استفاده از نیروهای بومی به ایجاد ارزش افزوده برای محصول و نهایتاً افزایش درآمد اعضاء اقدام نمود.

از این طریق شرکتهای تعاونی تولید می توانند بازاریابی نموده و از طریق ورود به بازار احقاق حقوق کشاورزان را میسر نمایند که با راه اندازی اتحادیه تعاونیهای تولید استان زمینه مناسب و فعال برای حضور شرکتهای تعاونی تولید در بازارهای داخلی و خارجی فراهم می شود.

بعد ششم) شرکتهای تعاونی تولید یک بنگاه اقتصادی است

معاملات و مبادلات بازرگانی و سرانجام تولید محصولات کشاورزی از طریق درگیر کردن عوامل تولید (آب، خاک، سرمایه، نیروی کار، مدیریت) در یک نظام بهره برداری بهینه و مناسب در حقیقت بعد اقتصادی فعالیتها را بیان می کند. بعبارت دیگر شرکتهای

تعاونی تولید با انجام فعالیتهای گوناگون از طریق ارائه خدمات فنی و بازرگانی در پروسه تولید محصولات کشاورزی مشارکت دارد و نتیجه مشارکت بصورت سود معقول برآورد می شود و این سود به دو شکل می باشد:

شکل اول: افزایش سود حاصل از افزایش تولید و کاهش هزینه های تولید که به نفع بهره بردار است.

شکل دوم: سود ظاهری حاصل از فعالیتهای گوناگون اقتصادی شرکت است. بطورکلی شرکتهای تعاونی تولید باید سودآور باشند تا بتواند هزینه های جاری خود را تأمین کنند چون ادامه حیات شرکتهای بستگی به وضعیت اقتصادی یا درآمد آنها دارد. این مهم از طریق انتخاب راهکارهای مناسب و منسجم با رسالتهای تعاونی تولیدمیسر است. سودآوری شرکتهای یکی از شاخصهای موفقیت در شرایط کنونی است در غیر اینصورت اتکاء به دولت تنها راه باقیمانده است که پیامد آن گسترش تفکر دولتی در تعاونیهاست که با ماهیت تعاون تعارض دارد. لذا ترویج و توسعه تفکر خودگردانی یا خود اتکایی در اداره شرکتهای که باحضور و مشارکت اعضاء در مدیریت شرکتهای همراست، راه صحیح توسعه تعاونیهاست که بدون دخالت مدیریت دولتی در عرصه تولید فعالیت نمایند.

بعد هفتم) تغییر تفکر فردگرایی به گروه گرایی و پرکردن

خلاء مدیریت در روستا

فقدان مدیریت کارآمد در سطح روستا پس از تقسیمات اراضی و عدم موفقیت در جایگزینی از طریق شرکتهای تعاونی روستایی و شرکتهای سهامی زراعی قبل از انقلاب سبب شد خلاء مدیریت در سطح روستا تا سالها پس از انقلاب باقی بماند.

عدم موفقیت شرکتهای تعاونی و شرکتهای سهامی زراعی در قبل از انقلاب نشان می دهد کانون مدیریت روستا بدون توجه به عامل انسانی یعنی بهره برداران استحاله می شود و با مداخله قهری و دستوری امکان پذیر نیست و باید به ایجاد فضای آزاد و معقول برای حرکت جمعی از طریق مشارکت و تعاونی و ساماندهی روابط و نظامات اجتماعی حاکم در روستا مبادرت ورزید.

در تفکر جدید تعاونیهای تولید پس از انقلاب شکوهمند اسلامی بها دادن به مقام و منزلت کشاورزان از طریق ابراز شخصیت و موقعیت تولیدی آنها بینهایت توجه شده و زمینه مناسب برای ظهور نهاد مدیریت کارآمد در روستا در قالب شرکتهای تعاونی تولید بصورت یک سازمان منسجم مردمی بوجود آمده است که در رأس هرم این سازمان منسجم کارشناس متخصص کشاورزی قرار می گیرد و کلیه حرکات و فعالیتها و تجربیات

و منویات مجموعه در یک سازمان مردمی خلاصه می‌شود. با استفاده از دانش فنی و تخصصی کارشناس شرکت و با مدیریت مشارکتی هیئت مدیره و شخصیت حقوقی شرکت امکان حل مشکلات جزئی و کلی در سطح روستا بطور نسبی فراهم می‌شود. بدیهی است که روحیه فردگرایی بیش از سی سال است که در روستاهای ما حاکم است و یکی از عوامل بازدارنده توسعه می باشد بویژه برای گروههای خرد دهقانی که بیش از ۸۰٪ بهره‌برداران ما را تشکیل می‌دهند، بنابراین نباید انتظار داشت که در کوتاه مدت تفکر فردگرایی را از روستاها زدود چرا که یک نسل با این تفکر خو گرفته است.

خوشبختانه ما مسلمانان دارای فرهنگ غنی هستیم و تعاون در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. جمله «يَدْأَلُّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ» گویاترین معنای تعاون و گروه‌گرایی است. خلاصه اینکه بتدریج با اجرای فعالیتهای گروهی زمینه تغییر و تحول را در فرهنگ اعضاء شرکت بوجود می‌آوریم و با مرور زمان فرهنگ گروه‌گرایی را جایگزین فرهنگ فردگرایی می‌کنیم. و جامعه روستایی از تفرق‌گرایی به سوی وحدت و انسجام بیشتر هدایت می‌شود با تحقق این نیت زمینه مناسب برای اعمال مدیریت کارآمد در روستا فراهم خواهد آمد و در این شرایط شرکتهای تعاونی تولید بعنوان بهترین نهاد مدیریت کارآمد در سطح روستا که پس از اصلاحات اراضی از جامعه روستایی حذف شده است به جامعه روستایی و کشاورزی ایران معرفی می‌گردد.

بعد هشتم) آموزش و ترویج

کشاورزی بخشی زنده است و تحت تأثیر عوامل عدیده‌ای قرار دارد و رکن مهم این بخش نیروی انسانی است که با استفاده از فکر و اراده خویش تحولات و تغییرات مستمر در جهت رشد و توسعه کشاورزی را به ارمغان می‌آورد. بر این اساس انتقال یافته‌های جدید کشاورزی و فن‌آوریهای علمی به منظور افزایش بهره‌وری منابع موجود از طریق آموزش بهره‌برداران عضو شرکت و با استفاده از روشهای علمی و عملی از قبیل برگزاری کلاسهای دسته‌جمعی یا انفرادی، ایجاد مزارع الگویی، بازدید اعضاء از مزارع دیگر استانها و مبادله اطلاعات و تجارب بین آنها، یک شیوه موثر بمنظور ایجاد تحول در تولید است. بنابراین آموزش و ترویج رکن مهم هدایتی شرکتهای تعاونی تولید روستایی است که با استعانت از متخصصین کشاورزی مراکز تحقیقات و مدیریت کشاورزی شهرستانها و سازمان کشاورزی استان بمنظور بهره‌گیری از تخصصهای گوناگون مورد نیاز اعضاء شرکت، امکان ایجاد تحول در تولید از طریق افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید میسر است. شرکتهای تعاونی تولید بستر مناسب اجرای فعالیتهای آموزشی و ترویجی است. و اکثر مزارع نمایشی و پروژه‌های ترویجی و بیشترین فراگیران کلاسهای آموزشی در شرکتهای تعاونی تولید به منصفه ظهور می‌رسد. نتایج حاصله از فعالیتهای آموزش و ترویج در افزایش عملکرد محصولات زراعی و باغی مشهود است.

سخن آخر

آنچه در توسعه و نهادمندی شرکتهای تعاونی تولید ضرورت دارد اصلاح قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچگی اراضی در حوزه عمل شرکتهای تعاونی تولید مصوب ۱۳۴۹ است. بعبارت دیگر باید به تدوین قانونی جدید منطبق با شرایط جدید و مبتنی با اصول حاکم در کشور و متغیرات جدید بخش کشاورزی که در آن تفکیک وظایف بین وزارتین کشاورزی و جهاد سازندگی صورت گرفته، همت گمارد. تعمق در رسالتهای تعاونی تولید روستایی مسئولیت مدیران، کارشناسان و اساتید دانشگاه و محققین را سنگین تر می کند و باید کارگزاران بخش کشاورزی با عشق و ایمان مسیر را دنبال کنند چون راه دیگری باقی نمانده و تنها راه باقیمانده برای نجات بخش کشاورزی، در راه اندازی و توسعه تشکلهای اقتصادی تولیدی در قالب شرکتهای تعاونی تولید روستایی است. به امید روزی که کلیه ۱۸ میلیون هکتار اراضی زراعی و باغی کشور تحت پوشش این شرکتها قرار گرفته و به رشد بیش از ۵/۱٪ بخش کشاورزی مصوب برنامه سوم توسعه برسیم. همچنان که امروز مسئولین دفتر شرکتهای سهامی زراعی و تعاونی تولید به رشدی معادل ۱۰/۲٪ طی برنامه سوم توسعه در شرکتهای تعاونی تولید امیدوارند.

عادل واحدی

فروردین ماه ۱۳۷۹